مرثیه‌ای بر روزگار از دست‌رفته سیرجان

زوال روزنامه‌نگاری حرفه‌ای در قطب رسانه‌های محلی

اسما پورزنگی‌آبادی

دیگر نه از آن تحریریه‌های شلوغ و پر رفت‌وآمد و پیشخوان‌های پر از نشریهٔ دکه‌های روزنامه‌فروشی خبری هست و نه از آن شهروندانی که در پارک و اتوبوس و خانه در هر فراغتی، روزنامه به دست داشتند و برای خواندن مطالب جدید نشریات شهرشان لحظه‌شماری می‌کردند. شهر سیرجان که تا همین چند سال پیش، خود را یا برند «قطب روزنامه‌نگاری محلی در کشور» معرفی می‌کرد اکنون شهری تقریبا بی‌صداست. همهٔ آن هیاهوها و جوش و خروش‌ها، تیترها و گزارش‌ها و خبرها و مصاحبه‌های جنجالی و تحلیلی و یادداشت‌ها و تب‌وتاب‌ها فرو کش کرده و تنها انگشت‌شمار نشریه و سایت خبری و تنی چند از فعالان شبکه‌های اجتماعی به کار خبررسانی و رسانه مشغولند.

بهشت رسانه

روزنامه‌نگاری و انتشار هفته‌نامه‌های کاغذی در سیرجان تقریبا به مدت یک دهه از سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵ خورشیدی در اوج بود. تعداد زیادی روزنامه‌نگار در این فضای فرهنگی و رسانه‌ای منحصربه‌فرد پرورش یافتند که برخی از آنان هم‌اکنون در سطح ملی مطرح و صاحب اعتبار و شهرت هستند. سیرجان به بهشت رسانه تبدیل شده بود. تیراژ هفته‌نامه‌ها به ۱۰ هزار نسخه رسیده بود که براساس آمار جمعیتی سیرجان، یک رکورد در کشور محسوب می‌شد.

حسین اطمینان، روزنامه‌نگار اهل سیرجان که آن روزگار اوج را تجربه کرده است، به گزارشگر روزنامه اطلاعات می‌گوید: در بهار مطبوعات سیرجان و اوج تیراژ نشریات، در هر روز هفته به‌جز جمعه یک نشریه به چاپ می‌رسید و در برخی از روزها نیز دو نشریه منتشر می‌شد! تعداد نشریاتی که به شکل منظم به پیشخوان دکه‌های روزنامه‌فروشی می‌آمد به ۱۰ هفته‌نامه می‌رسید. علاوه بر آن حدود پنج سایت خبری نیز در سیرجان فعال بود. بیش از ۳۰ خبرنگار حرفه‌ای و نیمه‌حرفه‌ای در این نشریات و سایت‌های خبری کار می‌کردند و خبرنگاری برای بیشتر آن‌ها شغل اول بود.

اما چه شد که آن بهشت مطبوعات، تبدیل به بیابان شد و نشریات سیرجان یکی پس از دیگری تعطیل شدند یا تیراژ آن‌ها به زیر ۵۰۰ نسخه رسید؟

او توضیح می‌دهد: با توجه به شواهد و بررسی‌های انجام‌شده، سیرجان شهری برخوردار از لحاظ منابع اقتصادی است و معادن و صنایع قابل‌توجهی مانند گل‌گهر، منطقه ویژه اقتصادی، شهرک‌های صنعتی و... در این منطقه وجود دارد. همچنین کار صنف کامیون‌داران بسیار پررونق است، به گونه‌ای که در شهرستان سیرجان بیش از هشت‌هزار کامیون فعال داریم. به این ظرفیت‌ها وجود ۶۰ هزار هکتار باغ پسته، نزدیکی به بندرعباس و مبادلات تجاری گسترده، رونق ساخت‌وساز و... را نیز اضافه کنید. همه این‌ها سیرجان را به یک شهر مهم اقتصادی و در نتیجه گران تبدیل کرده است.

در چنین شرایطی، رشد درآمدها در سیرجان نسبت به بسیاری از شهرهای کشور بالاتر بود اما این موضوع با درآمد صنف خبرنگاری با توجه به رشد فزاینده قیمت‌ها هم‌خوانی نداشت. در نتیجه، خبرنگاران حرفه‌ای مجبور به رها کردن شغل خود شدند یا خبرنگاری را به عنوان شغل دوم انتخاب کردند. اکنون در سیرجان، تعداد انگشت‌شماری از خبرنگاران متخصص در این حرفه مشغول هستند.

این روزنامه‌نگار سیرجانی می‌افزاید: در دورانی که نشریات در اوج بودند و درآمد خوبی داشتند، مدیران رسانه‌ها به وضع معیشتی و درآمدی خبرنگاران آن‌طور که لازم بود توجه نداشتند و برخلاف دیگر ارگان‌ها و نهادها و صنایع و معادن سیرجان، به فکر افزایش سطح رفاه پرسنل خود نبودند. تعداد زیادی از خبرنگاران از حمایت‌هایی مانند بیمه تأمین اجتماعی، حق مسکن، وام، بیمه تکمیلی و... محروم بودند. این شرایط باعث شد که خبرنگاران حرفه‌ای، تصمیم به جدایی از نشریات بگیرند.

مقابله با نظارت رسانه‌ای

حسین اطمینان، کاهش درآمد مطبوعات را یکی دیگر از عوامل رکود نشریات در سیرجان ذکر می‌کند و می‌گوید: با گسترش روزافزون شبکه‌های اجتماعی که همزمان با تیراژ پایین نشریات اتفاق افتاد، صاحبان مشاغل ترجیح دادند آگهی‌های تبلیغاتی خود را در شبکه‌های اجتماعی اطلاع‌رسانی کنند و همین باعث شد که نشریات با کاهش آگهی و در نتیجه کاهش درآمد مواجه شوند.

در روزهایی که مطبوعات سیرجان در اوج قرار داشت، نظارت بر عملکرد تمامی اداره‌ها و ارگان‌ها به شدت افزایش یافته بود و عملکرد آن‌ها زیر ذره‌بین خبرنگارها قرار داشت. خاطرات زیادی از آن روزها در ذهن همه روزنامه‌نگاران به یاد مانده که به یکی از آن‌ها اشاره می‌کنم.

*** رضا مسلمی‌زاده، روزنامه‌نگار سیرجانی: کوچ و مهاجرت بسیاری از روزنامه‌نگاران حرفه‌ای، ترک روزنامه‌نگاری حرفه‌ای و جذب علاقه‌مندان در شرکت‌ها و ادارات دولتی و شبه‌دولتی، وابسته شدن نشریات به آگهی‌های شرکت‌های بزرگ، بی‌توجهی به نیازهای مخاطب و افت کیفیت روزنامه‌نگاری از جمله برخی دلایل بومی است که موجب افول مطبوعات سیرجان شد**

حرفه کم‌درآمد در شهر گران

اطمینان می‌گوید: برای بررسی دقیق یک پدیده اجتماعی، باید تحقیق و پژوهش علمی از سوی کارشناسان انجام شود اما اگر به‌صورت تحلیلی نگاهی به افول روزنامه‌نگاری در سیرجان داشته باشیم، یکی از دلایل خاموشی مطبوعات را می‌توان وضعیت درآمدی خبرنگارانی دانست که در این شهر فعالیت داشتند.

کار ساخت بیمارستان ۲۵۶ تخت‌خوابی امام رضا(ع) سیرجان در سال ۱۳۹۴ یا ۱۳۹۵ به اتمام رسید و در یک اتفاق عجیب، بخشی از این بیمارستان دولتی به‌صورت شبانه به یک شرکت خصوصی واگذار شد.

نشریه پاسارگاد سیرجان از این موضوع باخبر شد و موافقت‌نامه آن را منتشر کرد. وقتی مردم از این موضوع مطلع شدند، با مطالبه‌گری که صورت گرفت از این اقدام بسیار مخرب جلوگیری شد.

وی با بیان آن که این سبک از روزنامه‌نگاری که با وجود خبرنگاران حرفه‌ای، رواج یافته بود نظارت بر عملکرد مسئولان را افزایش می‌داد اظهار می‌کند: طبیعی است که برخی از مسئولان، این نوع نظارت را بر نمی‌تابیدند و با روش‌های گوناگون از جمله آگهی دادن به نشریات، جذب خبرنگاران متخصص در شرکت‌ها، ثبت شکایت‌های متعدد، حذف برخی آگهی‌ها، مذاکره با مدیران مسئول و سردبیران و... قدم در راه خاموش کردن نشریات گذاشتند و در این کار موفق هم شدند!

به‌تدریج مطالب انتقادی و گزارش‌های تند و تیز از صفحات نشریات کنار رفتند و این امر، کاهش مخاطب و در نتیجه کاهش تیراژ نشریات را به دنبال داشت.

شکست در رقابت

اطمینان در ادامه با یادآوری این که نشریات سیرجان در آن دوره بیشتر خبرمحور بودند و گزارش‌های خبری به‌وفور منتشر می‌شد، می‌گوید: با رونق گرفتن شبکه‌های اجتماعی در سال‌های اخیر، بسیاری از اخبار زودتر از انتشار مطبوعات به دست مخاطبان می‌رسید و هرچه که در نشریات می‌آمد قبلا از سوی شبکه‌های اجتماعی به اطلاع مردم رسیده بود.

وی می‌افزاید: با کوچ خبرنگاران حرفه‌ای به شغل‌های دیگر، گزارش‌های تحلیلی که می‌توانست ناجی نشریات سیرجان در این شرایط باشد کمتر در مطبوعات به چاپ می‌رسید و همین موضوع روز به‌روز نشریات را به سمت افول پیش برد.

این روزنامه‌نگار با تأکید بر تأثیر عوامل اقتصادی بر کم‌رمقی نشریات محلی در سیرجان می‌گوید: گران شدن هزینه‌های انتشار، نقش مهمی در خاموش شدن چراغ تحریریه‌ها داشت.

قیمت کاغذ و چاپ بسیار بالا رفت و کرایه محل دفتر نشریات، بار سنگینی بر دوش مدیران رسانه‌ها گذاشت، در حالی که باید حقوق نیروهای خود را نیز به‌موقع پرداخت می‌کردند. با بالا رفتن هزینه‌ها صاحبان بسیاری از نشریات برای تداوم فعالیت، مجبور به کاهش برخی هزینه‌ها از جمله دستمزدها شدند. این موضوع آسیب جدی به کیفیت نشریات وارد کرد.

ضربه آخر

مطبوعات کاغذی سیرجان پس از اتفاقاتی که به آن اشاره شد آن‌قدر ضعیف شدند که تنها یک ضربه کافی بود تا نفس‌های به‌شماره‌افتاده‌شان به پایان برسد و به کما بروند. کرونا آخرین میخ بر تابوت نشریات سیرجان بود.

اطمینان با بیان این مطلب می‌افزاید: با شروع اپیدمی کووید کرونا و ابلاغ پروتکل‌های بهداشتی برای جلوگیری از شیوع بیشتر ویروس، سیرجانی‌ها از خرید نشریات کاغذی امتناع کردند. پس از پایان بیماری نیز عادت خرید روزنامه بازنگشت.

وی با یادآوری تأثیر کرونا بر کم‌رونق شدن بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی از جمله رسانه‌داری ادامه می‌دهد: با کمرنگ شدن نشریات کاغذی در سیرجان، صفحات اینستاگرامی زیادی فرصت را غنیمت شمرده و صفحات خود را به عنوان خبرگزاری عرضه کردند، اما بیشتر آن‌ها به اخبار حوادث و گاهی هم اخبار زرد می‌پردازند و از خبرنگاری و روزنامه‌نگاری حرفه‌ای، فاصله زیادی دارند. در روزهای اوج فعالیت‌های رسانه‌ای، خبرنگاران برای آموزش و یادگرفتن، علاقه و ذوق بسیار زیادی داشتند و برای پیشرفت در حرفه خود بسیار تلاش می‌کردند. ذوق و شوق روزنامه‌نگاری در مابه حدی زیاد بود که خود من در سال‌های ابتدایی شروع به کارم، چند روز به کرمان آمدم و هر روز زیرنظر آقای لطیف‌کار که آن زمان رئیس‌خانه مطبوعات استان بودند آموزش روزنامه‌نگاری می‌دیدم.

در طول مدت روزنامه‌نگاری نیز در بیش از ۲۰ دوره حرفه‌ای شرکت کرده و کتاب‌های گوناگونی را مطالعه کردم اما اکنون آموزش روزنامه‌نگاری در سیرجان بسیار کم شده و خبرنگاران نیز علاقه چندانی به یادگیری ندارند. خبرنگاری بیشتر به یک پله برای رفتن به مشاغلی دیگر مثل روابط عمومی شبیه شده است.

غفلت دولت

این روزنامه‌نگار با تأکید بر آن که نشریات سیرجان یک سرمایه اجتماعی بسیار ارزشمند بودند که باید حفظ می‌شدند، می‌گوید: در این میان، مدیران مسئول و سردبیران بیش از دیگران وظیفه صیانت از نشریات را برعهده داشتند اما نمی‌توان نقش مدیران دولتی و مسئولان شهری را نادیده گرفت. باید به این پرسش پاسخ داده شود که مدیران ارشد شهرستان و بالاخص مسئولان اداره ارشاد، چه در زمان انتشار نشریات و چه بعد از آن برای رونق روزنامه‌نگاری چه کردند؟

حسین اطمینان ادامه می‌دهد: به نظر می‌رسد آن‌ها چندان نگران و دغدغه‌مندِ خاموشی نشریات پرتعداد سیرجان نبودند، وگرنه کمترین کاری که می‌شد انجام دهند این بود که سیرجان، شهرِ رسانه را با این شهر خالی از هفته‌نامه مقایسه کرده و موضوع را آسیب‌شناسی کنند.

وی در همین حال معتقد است که زمینه برای شروع دوباره فعالیت‌های رسانه‌ای در سیرجان مشابه آنچه که در گذشته وجود داشت فراهم است: با این که روزنامه‌نگاری حرفه‌ای در سیرجان تقریبا از بین رفته ولی هنوز شهروندان زیادی از سال‌های خوش انتشار نشریات کاغذی خاطره دارند و بسیاری از آن‌ها بر این باورند که هیچ رسانه‌ای، نشریه کاغذی نمی‌شود.

همین نشان می‌دهد که هنوز پتانسیل زیادی برای انتشار نشریات وجود دارد منتها باید برنامه‌ریزی دقیق و قابل‌توجهی انجام داد. هنوز هم یک نشریه حرفه‌ای می‌تواند در سیرجان چاپ شود و قطعا شهروندان از آن استقبال خواهند کرد.

عوامل سه‌گانه افول

رضا مسلمی‌زاده، یکی دیگر از روزنامه‌نگاران اهل سیرجان که او هم روزهای پررونق فعالیت‌های مطبوعاتی را تجربه کرده است، درباره چرایی خاموشی بسیاری از تحریریه‌ها در این شهر به گزارشگر روزنامه اطلاعات می‌گوید: به نظرم افول مطبوعات، دلایل جهانی و ملی و محلی دارد. از جمله عوامل جهانی می‌توان به ظهور رسانه‌های جدید و پاندمی کووید ۱۹ اشاره کرد. در سطح ملی نیز رخدادهایی مانند سانسور و افول اصلاحات، شرایط اقتصادی و گرانی کاغذ و چاپ بر این وضعیت، تأثیر جدی داشته است.

وی می‌افزاید: کوچ و مهاجرت بسیاری از روزنامه‌نگاران حرفه‌ای از سیرجان، ترک روزنامه‌نگاری حرفه‌ای و جذب علاقه‌مندان در شرکت‌ها و ادارات دولتی و شبه‌دولتی، وابسته شدن نشریات به آگهی‌های شرکت‌های بزرگ و بی‌توجهی به نیازهای مخاطب و افت کیفیت روزنامه‌نگاری از جمله برخی دلایل بومی است که موجب افول مطبوعات سیرجان شد.

وی در پاسخ به این پرسش که رسانه‌های جدید در همه شهرها و کشورها وجود دارند ولی روزنامه‌های زیادی همچنان در حال انتشارند و بستر رسانه‌های جدید را هم به خدمت گرفته‌اند، پاندمی هم تمام شده و زندگی روال عادی پیدا کرده اما چرا همچنان شاهد رکود فعالیت‌های رسانه‌ای در شهری مثل سیرجان هستیم، اظهار می‌کند: رسانه‌های سیرجان هم باید از بستر رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی جدید استفاده می‌کردند اما غفلت کردند و به فضای مجازی باختند.

مسلمی‌زاده با بیان این که صفحات شبکه‌های اجتماعی در سیرجان عمدتا فاقد کیفیت مطلوب رسانه‌ای هستند، می‌گوید: اغلب افرادی آموزش‌ندیده و تربیت‌ناشده در این رسانه‌های اجتماعی فعالیت دارند.

این روزنامه‌نگار اضافه می‌کند: کرونا باعث افت فعالیت‌های رسانه‌ای و تعطیلی موقت برخی مطبوعات شد، در سیرجان اما این تعطیلی و شرایط موقت، ادامه پیدا کرد.

بحران اطلاع‌رسانی

مسلمی‌زاده در پاسخ به سؤالی درباره تأثیرات ناشی از خلاء فعالیت‌های گسترده رسانه‌ای در سیرجان می‌گوید: قبلا حضور مطبوعات، پاسخگویی بیشتری در مسئولان ایجاد کرده بود، الان اما این شرایط وجود ندارد. معضل بعدی بحران اطلاع‌رسانی و گفتگو در جامعه است. مطبوعات کارکردهای متعددی دارند که در نبودشان این کارکردها به محاق می‌روند و جامعه دچار خلاء و سپس بحران می‌شود، مثلا پوشش رویدادهای فرهنگی در قالب گزارش و مصاحبه و نقد و... حلقه واسط هنرمند و مخاطب محسوب می‌شود. الان و در نبود آن فعالیت‌های حرفه‌ای، این فاصله پر نمی‌شود.

تأکید بر روزنامه‌نگاری مستقل

برای از سرگیری فعالیت‌های رسانه‌ای در سیرجان، مشابه آنچه که در گذشته وجود داشت چه شرایطی باید از طرف دولت مهیا شود؟ مسلمی‌زاده در پاسخ می‌گوید: دولت باید سایه سانسور را کم کند و به آزادی بیان و رکن چهارم دموکراسی احترام بگذارد.

وی در پاسخ به این پرسش که با وجود همین شرایط، همچنان رسانه‌هایی در سطح محلی و ملی دارند نفس می‌کشند، پس چرا سیرجان نمی‌تواند، می‌گوید: آن رسانه‌هایی که فعالند به نوعی انگار به ونتیلاتور وصل باشند. به نظر شما اگر آگهی‌های خاص یا حمایت‌های ویژه را از مطبوعات فعال بگیرند، دوام می‌آورند؟

مسلمی‌زاده درباره کمک‌های بخش خصوصی و دولت به فعالیت‌های فرهنگی و رسانه‌ای اظهار می‌کند: این حمایت‌ها فاجعه است. وابستگی و اعتیاد به رانت، آزادی بیان را تهدید و تحدید می‌کند و فرصت را از روزنامه‌نگاری مستقل می‌گیرد.

تأکید بر روزنامه‌نگاری مستقل

آیا فعالیت‌های رسانه‌ای گذشته در سیرجان، روزنامه‌نگاری کاملا مستقل به حساب می‌آمد؟ مسلمی‌زاده در پاسخ به این پرسش بیان می‌کند: تا حد زیادی بله، درآمد اصلی نشریات شناخته‌شده سیرجان از آگهی‌های بخش خصوصی تأمین می‌شد، یعنی از مردم، مغازه‌داران و شرکت‌های کوچک بخش خصوصی.

وی درباره چگونگی جذب آن آگهی‌ها توضیح می‌دهد: دقیقا نمی‌دانم تحت‌تأثیر چه عواملی، اما به هر حال در سیرجان، آگهی دادن به نشریات باب شده بود. «نگارستان» که اولین نشریه دوران جدید سیرجان است، در شکل‌گیری این جریان نقش مهمی داشت. مردم سیرجان علاوه بر خبر و تحلیل و گزارش، آگهی‌خوان هم بودند. همین الان درآمد صفحات خبری در سیرجان از محل آگهی بسیار وسوسه‌کننده است. در شهرهای دیگر اما مطبوعات بیمار به دنیا آمدند؛ وابسته به کمک‌های دولتی.

*** حسین اطمینان، روزنامه‌نگار سیرجانی: گران شدن هزینه‌های انتشار نقش مهمی در خاموش شدن چراغ تحریریه‌ها داشت**

*** کرونا آخرین میخ بر تابوت نشریات سیرجان بود**

وی در پاسخ به این پرسش که آیا شما هم معتقدید همچنان ظرفیت فعالیت رسانه‌ای حرفه‌ای گسترده در سیرجان وجود دارد، اظهار می‌کند: من فکر می‌کنم اگر یک کار رسانه‌ای با کیفیت و استانداردهای مطلوب در سیرجان شروع شود، مخاطبانی مشتاق هم خواهد یافت. اشتیاق سابق وجود ندارد و تیراژ ۲۰ هزارتایی دست‌نیافتنی شده اما باز هم می‌توان یک فعالیت مطبوعاتی نسبتا خوب راه‌اندازی کرد.

سیرجان شهری با بستر مناسب برای روزنامه‌نگاری حرفه‌ای است. شاید روزی دوباره رونق برگردد و نسلی نو با کیفیتی متناسب با وضعیت امروز ظهور کند.

مسلمی‌زاده در پاسخ به این پرسش که آیا به‌عنوان یک روزنامه‌نگار، هیچ‌وقت دلتنگ روزهای رونق فعالیت‌های رسانه‌ای در شهرتان شده‌اید یا خیر می‌گوید: هر هفته. البته الان دوران نقاهت را می‌گذرانم، یعنی دوره حاد این دوری گذشته است. حدود یک سال می‌شود که کار مطبوعاتی نمی‌کنم. هفته‌های اول بسیار برایم سخت بود اما الان کمی با این وضعیت کنار آمده‌ام.

وی در پاسخ به این پرسش که اگر نشریه‌ای مثل گذشته در سیرجان فعال شود حاضرید دوباره فعالیت کنید تصریح می‌کند: قطعا. اغراق نیست اگر بگویم به همین امید زنده‌ام!